

ABSTRACT OF THE EDUCATIONAL THESIS [M.S]



Family Name: *Ahamadzadeh*

Name: *Malihe*

Title of the disseration: *The Imam's knowledge by the viewpoints of theologians and Islamic philosophers.*

Adviser: *Sayyed Mortaza Hosseiny Shahrody*

Research Guide: *A'zizollah fayyaz Savary.*

Faculty: *Theology and Islamic Knowledges*

Inclination: *Philosophy and Islamic Theology*

Date of Defence: *1383/11/*

Number of Pages: *210*

Keywords: *Imam Knowledge / Theologians / Shi'ites/ m'utazilites / ash'arities/ omniscience / Islamic Philosophers / imamology/*

Abstract

The knowledge of Imam by the viewpoints of theologians, Shi'ites, Mu'tazilites and Ash'arites and Islamic philosophers is criticized. In the first cahpter, semantics of "knowledge" and its different kinds and the discription of the term of "Imam" is considered. In second cahpter, the quality of the Imam's knowledge and the ideas of thedogians and Islamic philosophers are explained. The third chapter, the limitation and quantity of the Imam's knowledge and the matters conserning the extent of the Imam's knowlede in all sciences, techniques and words and the Imam's omniscienc is criticized and investigated in detail by the viewpoints of the supporters and the opponents. The rfesources of the Imam's knowledge and the idea that how Imam can reach to the omniscienc both are considered in the fourth chapter according to Quran'n verses and infallibles traditions (peace be upon them) and theologian's viewpoints. In the fifth chapter the relationship between the Imam's knowledge and his deeds and the effects of the omniscience in their behaviour and their responses to some of the doubts especially "knowing of thier martyrdom" is illustrated and the theologians and Shi'ites philosophers answers the same doubts are presentd. In the sixth chpter the neccesity the belief in the Imam's knowledge for the nobles and the unnecessity of that belief for ordinary people are considered and finally the conclusions of this essay are reported.

تقدیر (سپاس)

«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق»

خدای را بر نعمات لم یزل و لایزالش سپاس که در الطاف و عنایات بیکران خویش مستغرقمان نمود و صلوات و سلام بی پایان و پیاپی بر یگانه آفرینش، حبیب خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش.

خدای را سپاس که ما را ریزه‌خوار خوان جود و کرم حبیب خویش قرار داد و ما را از امت او ساخت.

خدای را سپاس بر این نعمت ویژه که اگر از ابتدای عمر تا به انتها شاکر آن باشم، به گونه‌ای که همه ذرات وجودم زبان گردد و مکرر به شکر پردازد، شکر آن نعمت جسیم و منت عظیم را نگزارده است.

خدای را سپاس که بی‌استحقاق و بی‌لیاقیت هر نعمتی، منت نهاد و مرا با وادی بی‌کران معرفت و معلّمان آن آشنا ساخت.

این نوشتار بهانه‌ای شد که بار دیگر از همه معلّمان و همه آنان که به من حرفی آموخته‌اند و مرا از ابتدا در مسیر علم و معرفت راهنمایی کرده و زمینه گامهای بعدی را برایم فراهم نمودند، سپاسگزاری کنم.

از ریاست محترم دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد جناب آقای «دکتر حائری» و از اساتید دانشمند گروه فلسفه و کلام دانشگاه فردوسی مشهد و به خصوص از استاد راهنمای بزرگوارم جناب آقای دکتر «فیاض صابری» و استاد مشاور بزرگوارم جناب آقای دکتر «حسینی

شاهرودی» که بنده را در کتابت این پایان نامه یاری نمودند، کمال امتنان و تشکر را دارم.
از کادر آموزشی دانشکده، مخصوصاً خانم گزرائی که نهایت همکاری را با اینجانب داشتند
مراتب سپاس را دارم.

جای آن دارد از عنایات و الطاف بی دریغ و بی وقفه استاد مشاور بزرگوار و ارجمندم جناب آقای
دکتر «سید مرتضی حسینی شاهرودی» که این حقیر را شرمند خود ساخته است تشکری قاصر و
قدردانی ای بی مقدار نمایم.

در پایان از پدر و مادر عزیز و برادر بزرگوارم جناب آقای دکتر سید مصطفی احمدزاده و همسر
عزیزم جناب آقای سید امیر انوری و والدین بزرگوار ایشان و همچنین از جناب آقای علاقه مند که
امور حروفچینی و صفحه پردازی را عهده دار شدند و همه دوستان عزیزم که با راهنمایی ها و
محبت های خویش مرا در انجام این رساله یاری رساندند کمال سپاس و امتنان را دارم.

والسلام علی من اتبع الهدی